

جلد اول

نبوت و نبیین

نبوت - یقین

به کوشش
سید ضیاء مرتضوی

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

سرشناسه: مرتضوی، سیدضیاء، ۱۳۳۷، گردآورنده و سرویراستار علمی
عنوان و نام پدیدآور: دانشنامه امام خمینی / به کوشش سیدضیاء مرتضوی
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۱۰ جلد: عکس (بخشی رنگی)؛ ۲۲ × ۲۹ س. م. (تهیه، گزینش و چینش تصاویر: سیدضیاء مرتضوی)
شابک دوره: ۹-۵۷۳-۲۱۲-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.

مندرجات: ج. ۱. آداب الصلاة - اسلام ناب محمدی. -- ج. ۲. اسم اعظم - بهشت و جهنم. -- ج. ۳. بهشتی، سید محمد - ثقی،
خدیجه. -- ج. ۴. ثواب و عقاب - حمله به مدرسه فیضیه. -- ج. ۵. حوزه علمیه قم - روشنفکری. -- ج. ۶. رهبری - صدور
انقلاب. -- ج. ۷. صدوقی، محمد - فلسطین. -- ج. ۸. فلسفه - مالکیت. -- ج. ۹. ماهیت - نامه ها. -- ج. ۱۰. نبوت - یقین.
موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- دایرة المعارفها
موضوع: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI -- Encyclopedias

شناسه افزوده: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works: شناسه افزوده

رده بندی کنگره: DSR ۱۵۷۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۹۴۴۴۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

دانشنامه امام خمینی

دوره ده جلدی / جلد دهم

به کوشش: سیدضیاء مرتضوی

تهیه و نشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج

طرح جلد: مسعود نجابتی

شمارگان: هزار دوره

بهای دوره: ۴۹۵۰۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

- خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۴۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۰۰۹۱۵
- خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷
- خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷
- حرم مطهر امام خمینی، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱
- کلیه نمایندگی های فروش در استان ها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

« حق چاپ محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ آزاد است »

۱۹۶۵م؛ کرد فیروزجایی، اسدالله، کلیاتی از علم کلام، مجله کلام اسلامی، شماره ۴۹، ۱۳۸۳ش؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق؛ گنجور، مهدی، نقش ابواسحاق ابراهیم نوبختی در پیدایش «کلام فلسفی» شیعه (با تأکید بر الیاقوت فی علم الکلام)، مجله اندیشه نوین دینی، شماره ۵۲، ۱۳۹۷ش؛ لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام، تحقیق اکبر اسدعلی زاده قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۵ق؛ همو، گوهر مراد، تحقیق زین العابدین قربانی، تهران، سایه، چاپ اول، ۱۳۸۳ش؛ لک زایی، رضا، روش شناسی شارحان حکمت متعالیه، تهران، عروج، چاپ اول، ۱۳۹۰ش؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق؛ همو، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ص)، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ محمد رضایی، محمد، الهیات فلسفی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱ش؛ محمدی خراسانی، علی، علم کلام، قم، پارسیان، چاپ اول، ۱۳۷۹ش؛ مشکور، محمد جواد، سیر کلام در فرق اسلام، تهران، شرق، چاپ اول، ۱۳۶۸ش؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۳، تهران، صدرا، چاپ دهم، ۱۳۸۲ش؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۵، تهران، صدرا، چاپ دهم، ۱۳۸۵ش؛ همو، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۶، تهران، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۰ش؛ همو، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۳، تهران، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ش؛ مفید، محمد بن محمد، الافصاح فی الامامه، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ همو، تصحیح اعتقادات الامامیه، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ همو، النکت الاعتقادیه، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ ملا صدرا، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۹۸۱م؛ همو، شرح اصول الکافی، تحقیق محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش؛ موسوی، خلیل، مراتب توحید الهی در حکمت متعالیه و اثربرداری از قرآن و سنت، قم، جامعه المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۹۴ش؛ نصیری، علی، علامه مجلسی و نقد دیدگاه های فلسفی، مجله علوم حدیث، شماره ۲۶، ۱۳۸۱ش.

باقر صاحبی

﴿ کلام الهی، ایجاد الفاظ یا اظهار آنچه در غیب است از ناحیه حق تعالی.﴾

کلام به نطق قابل فهم (ابن فارس، ۱۳۱/۵) و پی در پی و انتقال دهنده معنا (فیومی، ۵۳۹) گفته می شود. کلام الهی در اصطلاح علم کلام به معنای قائم به ذات (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۲۱۴/۱۱) یا ایجاد الفاظ یا اصوات در خارج از ناحیه حق تعالی است (قاضی عبدالجبار، المعنی، ۱۲/۷؛ حلی، کشف المراد، ۲۸۹) و در اصطلاح فلسفی و عرفانی به معنای اظهار کلمات وجودی مکنون در ذات حق، به واسطه نفس رحمانی (ابن عربی، ۱۸۱/۲؛ سبزواری، شرح مثنوی، ۱۴۰/۱؛ فاضل تونی، ۲۲۰) یا تجلی حاصل از تعلق صفت اراده و قدرت، برای اظهار و ایجاد آنچه در مرتبه غیب است (قیصری، ۴۵) و یا اظهار معانی است که بندگان خاص او از طریق وحی و مکالمه یا مانند آن درک می کنند (جیلی، ۸۸). امام خمینی نیز کلام الهی را تجلی و اظهار کلمات وجود به فیض اقدس، در مرتبه احدیت و همچنین تجلی به فیض مقدس، در مقام واحدیت که حاصل تعلق اراده و قدرت او بر ایجاد و اظهار آنچه در غیب است، می داند (چهل حدیث، ۶۱۸؛ دعاء السحر، ۵۷).

از واژگان مرتبط با کلام، تکلم (طریحی، ۱۵۸/۶) و قول و کتاب است. به اعتقاد امام خمینی کلام و تکلم دارای دو معنا هستند و فرق آنها اعتباری است. مفهوم مشترک میان این دو معنا را از آن جهت که صوت و منفصل و متموج در هوا است، کلام گویند و از آن جهت که از شخص صادر شده و قائم به اوست، تکلم گویند (تقریرات، ۳۵۱/۲). فرق کلام با قول در این است که کلام خود به تنهایی معنای کاملی را می رساند؛ ولی قول ممکن است جزئی از یک کلام باشد و معنای تامی را نرساند (زبیدی، ۶۲۳/۱۷). گاهی کلام مترادف «قول» به کار می رود؛ اما برخی در فرق این دو بر این باورند که قول برخلاف کلام قابل تحریف و تغییر است؛ از این

براین باورند که وجه نام‌گذاری علم کلام، به جهت بحث از کلام الهی و بحث از حدوث و قدم آن در میان اندیشمندان اسلامی بوده است (تفتازانی، ۱۶۴/۱؛ امام خمینی، *الطلب و الاراده*، ۱۳).

از جمله مباحث مهمی که در کلام الهی به آن توجه شده، اعتقاد به کلام نفسی است که اشاعره به آن معتقدند (فخر رازی، *مفاتیح الغیب*، ۴۰/۱) و معتزله و امامیه آن را نمی‌پذیرند (مجلسی، ۲۱۶/۷؛ سبحانی، ۱۸۹/۱-۱۹۱). عرفا نیز کلام الهی را از امهات صفات الهی می‌دانند که دارای احاطه تام و شمول کلی است (کاشانی، *عبدالرزاق*، ۵؛ امام خمینی، *دعاء السحر*، ۱۰۹). آنان کلام الهی را همان تجلی حق و همه عالم را کلمات او می‌دانند که دارای مراتبی است (قیصری، ۳۷۰)؛ اما قرآن را به عنوان کلام الهی، مخلوق و حادث نمی‌دانند (کلاباذی، ۳۹) و دعوای مخلوق بودن و حادث بودن را دعوای لفظی می‌دانند (کاشانی، *عزالدین*، ۳۵-۳۷). فلاسفه کلام الهی را همان افعال حق و کلمات تامات تفسیر می‌کنند (ملاصدرا، *اسرار الآیات*، ۵۲؛ سبزواری، *شرح الاسماء*، ۴۹۵ و ۵۵۹)؛ به این معنا که کلام الهی، انشای کلمات وجودی و انزال آیات الهی در لباس الفاظ و عبارات است (ملاصدرا، *اسرار الآیات*، ۵۲؛ همو، *المشاعر*، ۵۷).

امام خمینی به بحث کلام الهی اهتمام فراوانی داشته و در آثار خود به حقیقت کلام الهی، مراتب و اقسام آن پرداخته (*الطلب و الاراده*، ۱۳؛ *چهل حدیث*، ۶۱۸؛ *تعلیقات فصوص*، ۶۴ و ۲۷۵) و نظریه اشاعره و معتزله را تحلیل و بررسی و نقد کرده است (*الطلب و الاراده*، ۱۴-۱۹).

حقیقت کلام الهی: درباره حقیقت کلام الهی میان فرقه‌های کلامی و فلسفی اختلاف نظر وجود دارد. متکلمان معتزلی و امامیه کلام خداوند را از صفات فعلی می‌دانند که حادث و قائم به غیر است و تکلم خداوند

جهت، قرآن کلام الله است نه قول الله (ابن منظور، ۵۲۳/۱۲)؛ اما فرق آن با کتاب در این است که کتاب آن چیزی است که در آن نگارش می‌شود (همان، ۶۹۸/۱) ولی کلام صوتی است که شنیده می‌شود (راغب، ۷۲۲) و فرق کلام الهی با کتاب او در این است که کلام از عالم امر است و کتاب از عالم خلق (ملاصدرا، *المشاعر*، ۵۷) و کلام بسیط و کتاب مرکب است؛ همچنین کلام نسخ‌بردار نیست؛ ولی ممکن است کتاب منسوخ شود (همو، *اسرار الآیات*، ۱۶).

پیشینه: یکی از مباحث مورد توجه دانشمندان، بحث از کلام الهی است. اصل سخن گفتن و تکلم خداوند، از موضوعات قطعی میان مسلمانان (طوسی، ۶۰؛ حلی، *کشف المراد*، ۲۸۹)، بلکه در تمام ادیان آسمانی است که قابل انکار نیست (ملاصدرا، *المبدأ و المعاد*، ۱۴۵)؛ چنان‌که در تورات از تکلم خداوند با آدم (ع) (پیدایش، ۱، ۲۸ و ۳، ۸-۱۲) و موسی (ع) (خروج، ۳، ۴-۶ و ۴، ۱-۱۷) خبر داده است. یهودیان معتقدند خداوند از طریق نبوت پیامبران با انسان‌ها ارتباط برقرار کرده و موسی کلیم الله (ع) بزرگ‌ترین پیامبری بود که خداوند به صورت مستقیم با وی تکلم کرده است (هینلز، ۸۴/۱). مسیحیان معتقدند خداوند در کتاب مقدس با بشر تکلم کرده است (فغالی، ۱۶۱). در قرآن کریم، تکلم خداوند با فرشتگان (بقره، ۳۰؛ حجر، ۲۸) و پیامبران (نساء، ۱۶۴؛ اعراف، ۱۴۳) ذکر شده است. در برخی روایات کلام الهی به فعل او تفسیر شده است (نهج البلاغه، خ ۲۲۸، ۳۴۰). متکلمان از دیرباز درباره کلام الهی بحث کرده‌اند و آن را جزو هشت صفت جمالی ثبوتی خداوند قرار داده‌اند (شبر، ۴۱/۱؛ سبحانی، ۸۳/۱). این بحث با مطرح شدن نظریه خلق قرآن، شتابی فراوان گرفت (بدوی، ۱۹۰/۱). معتزله قائل به مخلوق و حادث بودن قرآن‌اند (قاضی عبدالجبار، *المغنی*، ۳/۷ و ۲۰۸) و اشاعره آن را قدیم می‌دانند (اشعری، ۳۳-۴۳). برخی

ابن ترکه، ۳۷۴/۱) عالم را صورت کلام الهی می‌دانند که حق تعالی به واسطه نفس رحمانی آن را اظهار کرده است. بر این اساس اعیان عالم، مخاطب این کلام اند و از باطن به ظاهر آمده‌اند (جندی، ۳۰۳).

امام خمینی اصل معنای کلام را اظهار آنچه در ضمیر پنهان است می‌داند که در انسان، با خروج هوا از مخارج حروف و عبور از مراحل باطن و سر به خارج تحقق می‌یابد (دعاء السحر، ۵۶) که این اظهار از اوصاف کمالیه وجود (چهل حدیث، ۶۱۸) و اوصاف نیکوی حق تعالی است (حدیث جنود، ۳۸۵). ایشان همانند بعضی از حکما (ملاصدرا، سه رساله فلسفی، ۳۰۴-۳۰۵) معتقد است الفاظ و کلمات برای ارواح معانی وضع شده‌اند و منحصر کردن مدلولات الفاظ در معنای عرفی و محسوس آنها صحیح نیست (مصباح الهدایه، ۳۹)؛ چنان که لفظ میزان در معنای عرفی و محسوس برای ترازو وضع شده است؛ اما روح معنای آن برای هر وسیله سنجش است؛ مانند علم منطوق که میزان برای فکر است. ملاصدرا درک حقیقت این اصل را زیربنای فهم اسرار قرآنی می‌داند و معتقد است کشف حقیقت انباء و تعلیم در نشأت و عوالم مختلف، منوط به درک این مطلب است (مفاتیح الغیب، ۹۱-۹۲). در حقیقت هر ابراز و انشایی که شیئی را از باطن ذات، به ظاهر تجلی برساند، همان کلمه و تکلم است (امام خمینی، دعاء السحر، ۵۶؛ همو، تقریرات، ۳۴۷/۲-۳۴۸) (مقاله روح معانی).

طبق این بیان حقیقت تکلم، متقوم به خروج کلام از مخارج مخصوصه و استفاده از آلات خاص نیست و آنچه در لغت و عرف متداول است، به اعتبار انس و عادت است؛ از این جهت روح معنای تکلم، اظهار آنچه در ضمیر پنهان است، می‌باشد؛ چه از مقوله صوت و لفظ باشد و چه این چنین نباشد (همو، چهل حدیث، ۶۱۸؛ همو، تعلیقات فصوص، ۲۳۱-۲۳۲)؛ بنابراین

راه به وسیله ایجاد اصوات و حروف، در محلی از قبیل لوح محفوظ یا جبریل و یا قلب پیامبر (ص) می‌دانند (قاضی عبدالجبار، شرح الاصول، ۳۵۷-۳۵۹؛ حلی، معارج الفهم، ۳۰۷-۳۱۲). در برابر، اهل حدیث و حنابله کلام خداوند را از قسم حروف و اصوات می‌دانند که قائم به ذات است (جرجانی، ۹۱/۸-۹۳). اشاعره با ایجاد تلفیق میان دیدگاه حنبلی و معتزلی، حقیقت کلام را معانی قائم به ذات می‌دانند که نه حرف و نه صوت اند (آمدی، ۸۷-۸۸)، بلکه حقیقتی غیبی در نفس متکلم است که الفاظ و کلمات از آن معنا حکایت می‌کنند (جرجانی، ۹۳/۸؛ بدوی، ۷۸۳/۱). طبق معنای اول قیام کلام به حق تعالی قیامی صدوری و طبق دو معنای اخیر، قیامی حلولی است.

امام خمینی نظر متکلمان معتزلی و اشعری و نظر برخی از امامیه را در حقیقت کلام الهی نمی‌پذیرد و معتقد است لازمه سخن معتزله و بعضی از امامیه (که خداوند را به سبب ایجاد کلام در اشیایی مثل درخت و غیره متکلم می‌گویند) این است که تجدد و تغیر در ذات الهی راه یابد (الطلب والاراده، ۱۵-۱۸) و گفته اشاعره (که کلام را معنایی قائم به ذات حق در ازل می‌دانند) نیز مستلزم نقص، ترکیب و قوه در حق تعالی و انقلاب و جوب ذاتی حق تعالی به امکان ذاتی و ماهیت دار بودن حق است (همان، ۱۹) (ادامه مقاله).

فلاسفه معتقدند کلام خداوند ایجاد و ابداع ممکنات (اخوان الصفاء، ۵۱۷/۳) و انشای کلمات تامات و انزال آیات در لباس الفاظ و عبارات (ملاصدرا، المشاعر، ۵۷؛ همو، الشواهد الربوبیه، ۵۷) است که در حقیقت، کمال اظهار مکنونات است. طبق این نظر، در حقیقت تکلم، وجود اصوات و حروف شرط نیست؛ زیرا حقیقت تکلم، القای کلام معنوی به قلب مستمع است (ملاصدرا، اسرار الآیات، ۵۵-۵۶؛ همو، المظاهر الالهیه، ۶۱). اهل معرفت نیز با اذعان به حقیقت کلام الهی (جیلی، ۸۸؛

است و این همان کلام الهی است (خواجه نصیر، ۱۹۳؛ حلی، کشف المراد، ۲۸۹).

امام خمینی تکلم در حق تعالی به معنای ایجاد صوت را و اینکه تکلم قائم بر حق باشد حتی به نحو قیام صدوری نه حلولی، مستلزم تجدد در صفات و ذات می‌شمارد (الطلب والاراده، ۱۳-۱۴). ایشان از آنجاکه تکلم را اظهار آنچه در ضمیر پنهان می‌داند، تکلم در خداوند را از همین طریق اثبات می‌کند؛ زیرا خداوند حقایق هستی را به فیض اقدس و مقدس ابراز کرده است (چهل حدیث، ۶۱۸) (ادامه مقاله) و حقایق هستی، همان کلمات وجودی‌اند که خداوند آنها را انشا کرده است؛ همچنان که قرآن کلمات الهی محسوب می‌شود؛ بنابراین تمام مراتب وجود از قوس نزول و صعود کلمات الهی‌اند (تقریرات، ۳۵۲/۲-۳۵۳ و ۳۵۷).

مراتب کلام الهی: عرفا کلام الهی را دارای مراتبی می‌دانند که متناسب با اختلاف عوالم، مختلف می‌شود؛ به این معنا که کلام در مرتبه ذات حق تعالی، همانند دیگر صفات، عین ذات متکلم است و در عالم ارواح، معنای قائم به ذات متکلم است که القای معانی به مخاطب در این مرتبه، از جنس الفاظ نیست. در عالم مثال نیز تکلم الهی شبیه مکالمه حسی، دارای ترکیب و حروف مثالی است و در عالم حس این کلام، مرکب از حروف و اصوات مادی است (قیصری، ۳۷۰-۳۷۱).

امام خمینی معتقد است ظهور و اظهار، از حقیقت وجود ناشی می‌شود و هرچه وجود رو به کمال رود، ظهور و اظهارش بیشتر می‌شود تا به نهایت مرتبه کمال یعنی حق تعالی برسد و از آنجاکه کلام و کلمه از اوصاف کمالیه وجودند، کلام حق تعالی در اعلا درجه وجود قرار دارد (چهل حدیث، ۶۱۸؛ تقریرات، ۳۵۲/۲) و با توجه به ذومراتب بودن وجود، کلام و کلمات وجودی نیز ذومراتب‌اند و این کلمات به هر اندازه از حیث وجود در دلالت و کشف آنچه در غیب است، قوی‌تر باشند، به

تمام سلسله وجود از عقل تا عالم هیولی و طبیعت، تکلم باری تعالی هستند (همو، تقریرات، ۳۵۲/۲؛ همو، دعاء السحر، ۵۴). به باور امام خمینی، کلام هر متکلمی به حسب مقام ظهور، جلوه ذات اوست (آداب الصلاة، ۳۰۸) و چون کمالات متکلم در مرتبه خفاست، طبق حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفياً» (حافظ بررسی، ۴۱) حق تعالی که متکلم است، دوست دارد آن کمالات را اظهار کند و مراتب وجود و عوالم غیب و وجود، همان کلمات وجودی حق تعالی هستند که به واسطه نفس رحمانی از مرتبه الهیه صادر شده‌اند و این به جهت حب ذاتی حق تعالی به اظهار کمالات اسمائی است (دعاء السحر، ۵۶-۵۷).

اثبات کلام الهی: اندیشمندان الهی در متکلم بودن خداوند اتفاق نظر دارند (حلی، کشف المراد، ۲۸۹؛ جرجانی، ۹۱/۸؛ ملاصدرا، المبدأ والمعاد، ۱۴۵) و از راه نقلی و عقلی کلام الهی را اثبات کرده‌اند:

(الف) راه نقل: برخی از امامیه کلام الهی را تنها از راه نقل و شرع ممکن می‌دانند (حلبی، ۱۰۶-۱۰۸) و آیاتی چون «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (نساء، ۱۶۴) را دال بر آن می‌دانند (حلی، معارج الفهم، ۳۰۸).

(ب) راه عقل: ۱. تکلم از صفات کمالی است و عدم تکلم برای کسی که قادر بر تکلم باشد، نقص شمرده می‌شود. از این جهت اتصاف خداوند به عدم تکلم محال است (تفتازانی، ۱۴۴/۴). ۲. خداوند اوامری دارد که اراده وقوع به آن تعلق نگرفته است، مانند اوامر امتحانی؛ پس مصدر این اوامر نمی‌تواند اراده حق تعالی باشد و باید حقیقت دیگری باشد که آن کلام است (فخر رازی، المحصل، ۴۰۳-۴۰۷). ۳. حق تعالی صرف الوجود و تمام هستی است؛ بنابراین باید تکلم را که از صفات وجود است، داشته باشد، بلکه او صرف الکلام است و کلام عین ذات اوست (شاه‌آبادی، ۱۴۱-۱۴۲). ۴. قدرت حق تعالی عام و شامل ایجاد اصوات و الفاظ در خارج

همان اندازه کلمه و کلام کامل تر و جامع تری هستند؛ از این جهت بعضی از موجودات مانند عقل اول، کلمه تامه و برخی از موجودات مانند موجودات عالم طبیعت، کلمات ناقصه اند (تقریرات، ۳۵۲/۲). ایشان بر این باور است که کتاب الهی نیز که به نوعی کلام اوست، دارای مراتب و سطوحی چندگانه است که به حسب نشئه های وجودی، مختلف است و در هر نشئه وجودی، حقیقتی مخصوص به خود دارد (آداب الصلاة، ۲۵۴) (مقاله قرآن).

امام خمینی مانند دیگر عارفان (آملی، ۲۴۷/۱ - ۲۴۸) عوالم وجود از غیب و شهود را کتاب آیات و کلمات الهی می داند. به باور ایشان این کتاب تکوینی الهی، مطابق با کتاب تدوینی الهی است و همچنان که کتاب الهی مشتمل بر ابواب، سور، آیات، کلمات و حروف است، عالم نیز دارای ابواب، فصول و آیات و کلماتی است و اگر همه عالم کتاب واحد لحاظ شود، هریک از عوالم کلیه ابواب و هریک از عوالم جزئی، سوره ها و فصول آن خواهند بود و اگر هر عالمی کتابی لحاظ گردد، به اعتبار مراتب، انواع و افراد، دارای ابواب، آیات و کلماتی هستند (دعاء السحر، ۵۱ - ۵۳)؛ بر این اساس کلام تنها به مرتبه صوت و لفظ محدود نمی شود، بلکه کلام الهی در صقع ربوبی، تجلی به فیض اقدس و فیض مقدس و اظهار آن چیزی است که در غیب است (همان، ۵۷). طبق این بیان، تکلم و انبای حق در مرتبه اسما و اعیان ثابت با مکالمه او در عالم عقل و نفوس متفاوت است (مصباح الهدایه، ۳۸ - ۳۹).

به باور امام خمینی کلام الهی در مقام احدیت، تجلی به فیض اقدس است و در این تجلی احدی، متکلم، ذات مقدس احدی و کلام، فیض اقدس و سامع، اسما و صفات است که از این تجلی اطاعت کرده و تحقق علمی پیدا می کنند. در مرتبه واحدیت، تجلی به فیض مقدس است که متکلم، ذات مقدس واحدی و کلام، فیض

مقدس و سامع، اعیان ثابتند که به امر «کُنْ فَيَكُونُ» تحقق عینی پیدا می کنند (چهل حدیث، ۶۱۸؛ تعلیقات فصوص، ۲۷۵ - ۲۷۶). در تحقق عینی نیز موجودات خارجی کلمات وجودی حق تعالی هستند (تعلیقات فصوص، ۲۳۱ - ۲۳۲). امام خمینی وحی را یکی از مصادیق کلام الهی می داند که پس از عبور از حجاب های نوری، بر قلب پیامبر نازل می شود (صحیفه، ۴۹۸/۱۸) و به حدی تنزل می کند که به صورت کلام گزاره ای و الفاظ قابل فهم برای عموم مردم می گردد (تفسیر حمد، ۱۳۵ - ۱۳۸ و ۱۶۲ - ۱۶۳) (مقاله وحی).

اقسام کلام الهی: کلام الهی دارای تقسیماتی است: الف) کلام ذاتی و فعلی: اندیشمندان کلام الهی را به اعتبار اسناد آن به ذات یا فعل الهی، به کلام ذاتی و فعلی تقسیم کرده اند: ۱. کلام ذاتی در اصطلاح فلسفی اظهار ذات برای ذات است. در این صورت کلام و متکلم یکی هستند (جامی، ۲۱۴؛ سبزواری، شرح الاسماء، ۴۹۵). ۲. کلام فعلی ایجاد حقایق در خارج است که از اسمای الهی نشئت می گیرد (فرغانی، ۱۵۸/۲). این حقایق کلمات وجودی حق تعالی شمرده می شوند. از این کلمات وجودی گاهی به کلمه «کُنْ» و گاهی به «عالم امر» تعبیر شده است (سبزواری، شرح الاسماء، ۴۹۵ و ۵۵۹).

امام خمینی کلام ذاتی را تجلی ازلی ذات برای ذات می داند (تقریرات، ۱۴۲/۲ و ۳۵۱) که به لسان ذات و در حضرت غیب واقع شده و برای اظهار آن چیزی است که در غیب مکنون است و مشاهده این تجلی، سمع ذات است (آداب الصلاة، ۲۵۵). این تجلی ذاتی گاهی در غیب ذات و در حضرت واحدیت است که از آن به تکلم ذاتی نفسی تعبیر می شود و گاهی در مقام احدیت است که تکلم حق تعالی تجلی به فیض اقدس است (تعلیقات فصوص، ۲۷۵). ایشان تکلم فعلی حق را همان ظهور حقایق موجودات عالم، به واسطه فیض منبسط می داند (تقریرات، ۱۴۲/۲)؛ بنابراین همه

نفسی دلالت می‌کند. این تکلیف از اراده حق تعالی ناشی نمی‌شود؛ زیرا لازمه آن تخلف اراده حق تعالی از مراد است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۴۰/۱؛ — امام خمینی، *الطلب و الاراده*، ۲۸).

امام خمینی کلام اشاعره را رد می‌کند و معتقد است در او امر امتحانی نیز اراده موجود است؛ اما اراده متعلق به فعل ارادی بنده نیست؛ زیرا افعال اختیاری، متعلق فعل غیر واقع نمی‌شوند، بلکه متعلق اراده، فعل خود حق تعالی یعنی امر، نهی و انشای آن است و اراده در حقیقت، به بعث و زجر تعلق می‌گیرد و فرق اوامر امتحانی با اوامر غیر امتحانی و حقیقی این است که غرض و انگیزه امر در اوامر امتحانی، امتحان و آزمایش است؛ اما در اوامر حقیقی انجام فعل و رسیدن به مصالح در فعل است (*الطلب و الاراده*، ۲۲-۲۳). در تکلیف کفار نیز این جواب جاری است و اوامر و نواهی حق تعالی به فعل عبد تعلق نمی‌گیرد؛ از این جهت فعل کفار متعلق اراده تشریحی نیست؛ علاوه بر اینکه از دیدگاه فقهی نیز تکالیف شرعی به صورت عام صادر شده‌اند و متوجه افراد معین نیستند و مخاطب خطاب‌های شرعی به مانند خطاب‌های قانونی عموم مکلفان‌اند، حتی افرادی که به آن عمل نمی‌کنند (*تهذیب الاصول*، ۴۸۴/۱-۴۸۵) (— مقاله خطابات قانونی).

به باور امام خمینی کیفیت صدور اوامر در حق تعالی با بندگان متفاوت است؛ همچنان‌که در غایت و غرض و دواعی نیز با آنها یکسان نیست و حق تعالی منزله از آن است که در افعال خود به دنبال غرضی باشد؛ زیرا دواعی و اغراض، مؤثر در فاعل‌اند و فاعل تحت تأثیر این اغراض واقع می‌شود؛ اما این امر در حق تعالی مستلزم ترکب، امکان و احتیاج است و در حق تعالی، حب به ذات است که مستلزم حب به آثار و اراده به آنهاست که مصون از تغییر و تجدد است (*الطلب و الاراده*، ۲۵-۲۶). ایشان گفته بعضی از متکلمان معتزله (قاضی عبدالجبار، شرح

موجودات عالم، کلام حق تعالی و کلمات وجودی او شمرده می‌شوند (همان، ۳۴۷).

امام خمینی نظر استاد خود محمدعلی شاه‌آبادی را مبنی بر اینکه کلام قولی خداوند در «كُنْ فَيَكُونُ» عین ذات الهی نیست نمی‌پذیرد. به باور شاه‌آبادی کلامی که عین ذات است، کلام نفسی به معنای عرفانی است که اظهار آنچه در غیب حق است به تجلی ذاتی در حضرت واحدیت است؛ اما امام خمینی معتقد است کلام قولی خداوند نیز از آن جهت که تجلی خداوند به اسم متکلم است و از اسمای ظاهر است، عین ذات است (*تعلیقات فصوص*، ۱۸۴-۱۸۵).

ب) کلام لفظی و نفسی: متکلمان اشعری کلام را به کلام نفسی و کلام لفظی تقسیم کرده‌اند و کلام لفظی را عبارت از اصوات و عبارات می‌دانند و معتقدند قوه یا صفتی در نفس وجود دارد که متکلم به واسطه آن می‌تواند معانی را برای نفس خود بیان و نجوا کند (شهرستانی، ۱۸۰-۱۸۲). این کلام با اختلاف عبارات و وضع‌ها مختلف نمی‌شود و این متکلم است که می‌تواند این معانی را با الفاظ مخصوص به خود به دیگران القا کند (غزالی، ۹۸). آنان با مطرح کردن کلام نفسی در خداوند در برابر کلام لفظی، آن را دارای ماهیتی معنوی و غیر محسوس دانسته‌اند که مجرد از مواد است (آلوسی، ۱۲/۱) و صفتی قدیم و قایم به ذات خداوند است (جرجانی، ۱۰۳/۸-۱۰۴).

اشاعره در اثبات کلام نفسی چند دلیل بیان کرده‌اند:
۱. گاهی شخص در جمله خبری از اموری خبر می‌دهد که به آنها علم و اعتقاد ندارد (فخر رازی، *مفاتیح الغیب*، ۳۴/۱) و گاه شخص به چیزی امر می‌کند که اراده آن را ندارد، مانند اوامر امتحانی و این نشان می‌دهد که در امرکننده چیز دیگری است و آن طلب و کلام نفسی است (تفتازانی، ۱۴۹/۴؛ — امام خمینی، *الطلب و الاراده*، ۲۲).
۲. تکلیف کفار و گنهکاران بر تکلیف، بر کلام

الاصول، ۳۵۷-۳۵۹) و امامیه (حلی، معارج الفهم، ۳۰۷-۳۱۲) که کلام الهی را از قبیل کلام لفظی صوت و لفظ می‌شمارند، صحیح نمی‌داند؛ زیرا این امور خود تغییر و تجدیدپذیرند و در طول زمان ثابت نیستند و استناد به این امور بدون واسطه به حق تعالی صحیح نیست و این افراد برای تنزیه حق تعالی از تکلم زبانی، تکلم در حق تعالی را حمل بر مجاز کرده‌اند که این امر در حقیقت، به تحدید در ذات حق تعالی و تعطیل بر می‌گردد (آداب الصلاة، ۲۵۴؛ الطلب و الاراده، ۱۴).

ج) کلام تشریحی و تکوینی: کلام تشریحی، اوامرو نواهی حق تعالی است؛ مانند آنچه به واسطه فرشتگان و پیامبران بر بندگان خدا افاضه شده و مهم‌ترین آن علم توحید و علم تهذیب نفس است. به واسطه هدایت تشریحی، نفوس مستعده در ناحیه علم و عمل از قوه به فعل رهنمون می‌شوند و کلام تکوینی حق، اعیان خارجی‌اند که با «کُن» حاصل می‌شوند (دعاء السحر، ۱۲۵). مهم‌ترین کلام غیر تشریحی حق تعالی، قول ذاتی است که به سبب آن، اسمای الهی در حضرت علمی ظهور یافتند (همان، ۱۲۵).

منابع: قرآن کریم؛ آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تصحیح علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق؛ آمدی، سیف‌الدین، غایة المرام فی علم الکلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ آملی، سیدحیدر، تفسیرالمحیط الاعظم و البحر الخضم، تصحیح سیدمحسن موسوی تبریزی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۲ق؛ ابن‌ترکه، صائن‌الدین، شرح فصوص الحکم، تحقیق محسن بیدارفر، قم، بیدار، چاپ اول، ۱۳۷۸ش؛ ابن‌عربی، محی‌الدین، الفتوحات المکیه، بیروت، دار صادر، بی‌تا؛ ابن‌فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق؛ ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، لسان‌العرب، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر-دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق؛ اخوان‌الصفاء، رسائل اخوان‌الصفاء و خلان‌الوفاء، بیروت، دارالاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق؛ اشعری، ابوالحسن،

اللمع فی الرد علی اهل الزيغ والبدع، تصحیح حمود غرابه، قاهره، المكتبة الازهریه للتراث، بی‌تا؛ امام خمینی، سیدروح‌الله، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸ش؛ همو، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، قم، پاسدار اسلام، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق؛ همو، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸ش؛ همو، تقریرات فلسفه امام خمینی، تقریر سید عبدالغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش؛ همو، تهذیب الاصول، تقریر جعفر سبحانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش؛ همو، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش؛ همو، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ش؛ همو، شرح دعاء السحر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش؛ همو، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش؛ همو، الطلب و الاراده، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش؛ همو، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ۱۳۸۶ش؛ بدوی، عبدالرحمن، تاریخ اندیشه‌های کلامی، ترجمه حسین صابری، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش؛ تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، تصحیح عبدالرحمن عمیره، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق؛ جامی، عبدالرحمن، الدرّة الفاخرة، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۸ش؛ جرجانی، سیدشریف، شرح المواقف، تصحیح بدرالدین نعلانی، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۳۲۵ق؛ جنیدی، مؤیدالدین، شرح فصوص الحکم، تحقیق سیدجلال‌الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق؛ جیلی، عبدالکریم، الانسان الكامل، تصحیح صلاح‌بن‌محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق؛ حافظ برسی، رجب‌بن‌محمد، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمومنین (ع)، تحقیق علی عاشور، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق؛ حلی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، تحقیق فارس حسون، قم، نشر الهادی، ۱۴۰۴ق؛ حلی، علامه، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق و تعلیق حسن حسن‌زاده آملی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق؛ همو، معارج الفهم فی شرح النظم، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۶ش؛ خواجه نصیر طوسی، محمدبن‌محمد، تجرید الاعتقاد، تحقیق حسینی جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق؛ راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان، بیروت-دمشق، دارالقلم-

۱۳۷۲ش؛ کتاب مقدس، بی جا، دارالکتاب المقدس، ۱۹۸۰م؛ کلابادی، محمدبن ابراهیم، کتاب التعرف، به کوشش محمدجواد شریعت، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۱ش؛ مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ص)، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ ملاصدرا، محمدبن ابراهیم، اسرار الآیات، تصحیح محمد خواجوی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ش؛ همو، سه رساله فلسفی، تحقیق و تعلیق سیدجلال الدین آشتیانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش؛ همو، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، مشهد، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۰ش؛ همو، المبدأ و المعاد، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ش؛ همو، المشاعر، به اهتمام هانری کربن، تهران، طهوری، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش؛ همو، المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه، تصحیح سیدمحمد خامنه ای، تهران، بنیاد حکمت صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۷ش؛ همو، مفاتیح الغیب، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش؛ نهج البلاغه، ترجمه سیدجمال الدین دین پرور، تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۹ش؛ هینلز، جان. ر. راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۷۸ش.

علی شفیعی - سیدعلی احمدی امیری

کلی طبیعی — ماهیت

کمالوند، روح الله، هم درس و دوست قدیمی امام خمینی، عالم پرآوازه لرستان و رابط روحانیان با رژیم پهلوی در نهضت اسلامی.

روح الله کمالوند در جمادی الاول ۱۳۱۹ق / ۱۲۸۰ش در خرم آباد زاده شد (حیدریان، ۱۳۳۱-۱۳۴؛ خدابخشی، ۸۵). پدر او رضا کمالوند تاجر و بازاری بود؛ اما جد پدری او میرزا احسن و جد مادری اش میرزانورعلی و عمویش محمدتقی شیخ الاسلام، از روحانیان خرم آباد بودند (عیدی، ۱۷). کمالوند تحصیلات ابتدایی خود را در مکتبخانه آغاز کرد و مقدمات علوم دینی

دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق؛ زبیدی، سیدمحمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی شیری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق؛ سبحانی، جعفر، الالهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، قم، مرکز العالمی للدراسات الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق؛ سبزواری، ملاهادی، شرح الاسماء الحسنی، تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش؛ همو، شرح مثنوی، تصحیح مصطفی بروجردی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ش؛ شاه آبادی، محمدعلی، شذرات المعارف، توضیح و تقریر نورالله شاه آبادی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش؛ شبر، سید عبدالله، حق الیقین فی معرفه أصول الدین، قم، أنوار الهدی، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق؛ شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، نهایه الاقدام فی علم الکلام، تحقیق احمد فرید مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۵ق؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تصحیح سیداحمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش؛ طوسی، محمدبن حسن، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، بیروت، دارالأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق؛ غزالی، ابو حامد، الاقتصاد فی الاعتقاد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۹ق؛ فاضل توفی، محمدحسین، مجموعه رسائل عرفانی و فلسفی، تصحیح وحید روح الله پور، قم، مطبوعات دینی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش؛ فخر رازی، محمدبن عمر، المحصل، تصحیح اتای، عمان، دارالرازی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق؛ همو، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق؛ فرغانی، سعیدالدین، منتهی المدارک فی شرح تائیه ابن فارض، تحقیق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۸ق؛ فغالی، بولس، المحيط الجامع فی الکتاب المقدس والشرق القدیم، بیروت، جمعیه الکتاب المقدس، ۲۰۰۳م؛ فیومی، احمدبن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق؛ قاضی عبدالجبار همدانی، ابوالحسن، شرح الاصول الخمسه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق. همو، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، تحقیق جورج قنوتی، قاهره، دارالمصریه، ۱۹۶۵م؛ قیصری، داوودبن محمود، شرح فصوص الحکم، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش؛ کاشانی، عبدالرزاق، شرح فصوص الحکم، قم، بیدار، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ش؛ کاشانی، عزالدین، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح جلال الدین همایی، تهران، هما، چاپ چهارم،